

سعید لیلار*

حذف دهک‌های بالای یارانه بگیر را باید به فال نیک گرفت

مساله هدفمند کردن یارانه‌ها که متأسفانه بسیار بد و ضد هدف و با لوث کردن اسم بسیار زیبایش به اجرا درآمده، عملاً منجر به پول‌پاشی شد؛ راه برگرداندن این طرح به مسیر اصلی و در واقع هدفمند کردن واقعی آن، همان است که آقای روحانی در سال‌های ۹۳ و ۹۴ شروع کرد و بعد به دلایلی ادامه پیدا نکرد؛ نکته‌ای که اخیراً و بار دیگر به درستی مطرح شده است.

ما هم جامعه اطلاعاتی بسیار نیرومند و کارآمدی داریم و هم اینکه سال‌هاست که آقای میدری در وزارت تعاون بخش مهمی از این جامعه اطلاعاتی را به صورت هدفمند ایجاد کرده است. برای ما این امکان وجود دارد که روزانه ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر را به صورت کامل از فهرست یارانه‌گیرها حذف کنیم. اگر این کار را که از سال ۹۳ و ۹۴ به درستی شروع کرده بودیم، ادامه می‌دادیم، الان بیش از ۱۰ درصد از یارانه‌گیرها کم شده بودند.

شخصاً به عنوان کسی که تاکنون یک دینار یارانه نگرفته، ممکن است با حذف به یکباره سه دهک از فهرست یارانه‌گیران نقدی مخالف باشم. چون شکاف طبقاتی در ایران آنقدر زیاد شده است که به نظرم دهک‌های هشتم و نهم هم در زمره نیازمندان قرار گرفته‌اند و فقط در دهک اول است که مردم به‌طور کلی بی‌نیازند.

با این حال حتی اگر بتوانیم هشت تا ۱۰ میلیون نفر از یارانه‌گیران را هم حذف کنیم، کار مهمی انجام داده‌ایم. ما می‌توانیم سالانه شش هزار میلیارد تومان از این طریق ذخیره کنیم و این پول را به صورت یارانه مستقیم یا غیرمستقیم به دو دهک پایین جامعه اختصاص دهیم. بنابراین اصلاحی که دولت بار دیگر بر آن تأکید کرده، مطابق روح قانون هدفمندی یارانه‌ها باید انجام شود.

اگرچه کاری که آقای روحانی به درستی در سال‌های ۹۳ و ۹۴ آغاز کرده بود، چند سال مغفول ماند اما از سرگیری آن کار مهمی است و باید انجام شود. رقمی که در ۱۰ سال گذشته به عنوان یارانه نقدی به مردم پرداخت شد، به قیمت جاری حدوداً معادل ۶۰۰ هزار میلیارد تومان است که با کل بودجه عمرانی امسال ایران برابری می‌کند؛ به عبارتی اگر تنها ۱۰ درصد از این مبلغ طی ۱۰ سال گذشته صرفه‌جویی می‌شد، رقمی معادل کل بودجه عمرانی امسال صرفه‌جویی شده بود و ما می‌توانستیم با آن حدود ۵۰۰ هزار شغل ماندگار را به صورت فوری ایجاد کنیم. با این حال از سرگیری حذف یارانه دهک‌های بالا به منظور صرفه‌جویی را باز هم باید به فال نیک گرفت.

نکته دیگری که اخیراً در اظهارات سخنگوی دولت مطرح شده است، موضوع عدالت‌های منطقه‌ای است. اینکه با وجود سابقه ۶۰ ساله بودجه‌نویسی در کشور، عدالت‌های منطقه‌ای در ایران به هیچ‌رو مطلوب نیست. دلیل این امر نحوه توزیع منابع در کشور است. مثلاً نگاهی به نحوه توزیع منابع در استان‌های مرزی و مقایسه آن با استان‌هایی مانند تهران، اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی و خراسان رضوی گواه ناکارآمدی سیستم توزیع منابع است.

یکی از گرفتاری‌های بزرگ ما این است که نابرابری توزیع درآمد هم در سطوح عمودی و طبقات اجتماعی وجود دارد و هم در سطوح افقی و جغرافیایی و این اساساً از نوع تنظیم و توزیع درآمدهای نفتی دولت ناشی می‌شود. از آنجایی که تصمیم‌ها همواره در مرکز گرفته شده و هنوز هم می‌شود، همیشه سهم مرکز از سهم پیرامون به مراتب بیشتر است و ما در تمام این دهه‌ها موفق نشدیم درآمد نفتی را به عنوان یک ثروت ملی به صورت سرانه توزیع کنیم.

در راستای مثال آقای ربیعی در مورد نابرابری سهم یک شهروند زابلی با یک تهرانی باید بگوییم که من یقین دارم مجموع پرداختی‌ها به مردم سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، هرمزگان، بوشهر و ... با مجموع پرداختی‌های استان‌های تهران، اصفهان و فارس ادا تناسبی ندارد و به تمامی ناعادلانه است. این ناعادلانه بودن نظام توزیع ثروت در ایران را به خوبی نشان می‌دهد. طبعاً در چنین وضعیتی نقش نمایندگان مجلس بسیار مهم است؛ منتها ما نمایندگان به مجلس می‌فرستیم که اکثرشان به جای انجام کارهای درست و درمان و راهگشا برای مردم، به دنبال انجام کارهای پرسروصدا و تبلیغاتی برای خودشان هستند. مثلاً برای حوزه انتخابیه‌ای که شاید سالی دو پرواز هم نداشته باشد، فرودگاه تاسیس می‌کنند چراکه بیشتر به دنبال پرستیژ هستند تا انجام کارهایی متناسب با نیازهای مردم‌شان. امیدوارم در ادامه تاکیداتی که دولت بر موضوع عدالت‌های منطقه‌ای دارد، در آینده شاهد کارهای راهگشایی در این زمینه باشیم.

*اقتصاددان

منبع : روزنامه اعتماد